

دعای ندبه

تقریر: حضرت آیت الہ علامہ برقی

ضمیمہ: مجلہ رنگین کمان

دعای ندبه

این روزها در بین جامعه مسلمانان شیعه ایران صحبت از دعای ندبه است، حجة الاسلام موسوی از واعظان مشهور جزوه ای که انتشار داده اند خواندن دعای ندبه را بی مدرک و برخلاف موازین دین مبین اسلام دانسته اند، و جراید اسلامی ندای حق و مکتب اسلام به نویسنده جزوه حمله کرده اند. جبهه ای در برابر کسانی که طرفدار دعای ندبه نیستند تشکیل داده اند... عده زیادی از خوانندگان مجله از ما خواسته اند نظر خود را ابراز داریم و بنویسیم حق با کدام طرف است، چون اکثر خوانندگان مجله نوشته های طرفین را خوانده اند از نقل قولها و نوشته ها صرف نظر میکنیم و بعنوان «بحث آزاد» نظر حضرت آیت الله علامه بروجردی که از نظر ادای تکلیف شرعی برای از بین بردن بهجت، «بخصوص بدعتی که قرآن و روایات نمیکنند»، سرخوم فرموده اند و بدقت مجله فرستاده اند درج می نمایم...

نظر ما اینست آنچه حق و حقیقت است آشکار میشود و تردید نمیتواند برای همیشه مردم را تحت سیطره خود نگاهدارد.

بسمه تعالی

برای خاطر يك دعا، قرآنرا بی اعتبار میکنند

رسول خدا (ص) فرموده اذا ظهرت البدع فرامتی فعلی العالم ان
يظهر علمه والافعليه لعنة الله و الملائكة والناس اجمعين ، یعنی چون
بدعتها در میان امت من پیدا شد بر عالم است که علم خود را برای آذین
بردن آن ظاهر کند و گرنه خدا و فرشتگان و همه مردم او را لعنت می-
کنند ، عده ای از ترس کسادی بازار و کم شدن همید در مقابل بدعتها
و خرافات ساکنند و عده دیگر برای آن که خود را بر رجعت برسانند
و طرف توجه ملت شوند بدعتها را امضا و تصویب میکنند ولی باید
دانست بدعت موقعی آشکار میشود و طرفدار پیدا میکند که قرآن
کنار رود و طرفدار او کم و بی اعتبار شود تا جایی که بگذا و یا يك فتوی
و یا خبر معمولی را بر قرآن ترجیح میدهند ، در این روزها سرو صدائی
بلند شده راجع بدعای ندموصحت و بطلان آن ، تعجب و تاسف ما
این است که چگونه طرفداران ایندعا قرآن را کان لم یکن پنداشته و آنرا
از اعتبار انداخته و توجهی ندارند ، جملات بسیاری در این دعا بچشم
می خورد که قبول آن ها موجب بی اعتباری قرآنست . ما ببیان بعضی از
آن جملات پرداخته و فقط برای خوشنودی خدا پرده از آن برمیداریم .
۱ - جمله یاین من دنی فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی دنوا
و اقترابا من العلی الاعلی ، این جمله راجع بعظمت جبرئیل است که
خدا در سوره النجم آیه ۹۰ فرموده علمه شدید القوی ، ذومره فاستوی
و هو بالافق الاعلی ثم دنی فتدلی فکان قاب قوسین او ادنی فلو حی الی عبده
ما اوحی ، یعنی ملک وحی بلو آموخت آن ملکی که دارای نیروهای محکم
و صاحب توانائی بود پس راست بایستاد در حالی که بافق بالانری بود
سپس نزدیک شد و خود را پائین آورد پس باندازه دو کمان یا نزدیکتر
شد پس وحی کرد به بنده او آنچه وحی کرد ، در این آیات خدا وصف

جبرئیل را بیان کرده ولی در دعای ندبه شاید خیال کرده این اوصاف مذکوره از پیغمبر است و با امام زمان خطاب کرده و او را فرزند پیغمبر دارای چنین اوصاف خوانده و با امام را فرزند جبرئیل دانسته بهر حال جمله دعوا و اقترابا من الملی الاعلی را خود افزوده و میخواهد بگوید جبرئیل و ملائکو پیغمبر را بخدا برساند در اینجا بدون تناسب قرآن را از فصاحت و اعتبار انداخته و اوصاف جبرئیل را بر رسول خدا بسته و امام زمان را فرزند او خوانده.

۲ - جمله یا بنی النبیاء العظیم که خطاب با امام میگردد ای پسر نباء عظیم و طبق اخبار محموله علی علیه السلام را نباء عظیم فرض کرده و امام زمان را فرزند او میخواند ولی باید دانست که نباء عظیم در قرآن قیامت است زیرا سوره هم یتسألون عن النبیاء العظیم الذی هم فیه مختلفون و هم چنین سوره ص آیه ۶۷، قل هونبأ عظیم انتم عنه مرصون این دو سوره هر دو مکی است و در مکه اول بعثت نازل شده و خطاب به مشرکین است که در معاد و قیامت اختلاف داشتند و از آن معرض بودند حتمی در سوره عم فرموده که مشرکین سؤال میکنند از نباء عظیم و خبر بزرگ قیامت که در آن اختلاف دارند و بهمین زود بها خواهند نهید روزی که فوج فوج احضار شوند يوم ینفخ فی الصور فتاتون افواجا و هم چنین در سوره ص شما به آیات قبل و بعد آن نظر کنید ، بر این آیات مربوط بعلی علیه السلام نبوده و در اوائل بعثت و قبل از هجرت نازل شده و در آن وقت کسی اختلاف در شئون علی و امامت او نداشت تا خدا آیه نازل کند، حال اگر ما بخواهیم جمله یا بنی النبیاء العظیم ندبه را بپذیریم باید بقون تناسب قرآن را لغو فرض کرده و از اعتبار بپنداریم و بدون تناسب بگوئیم نباء عظیم علی بن ابیطالب علیه السلام است.

۳ - جمله یا بنی من هو فی ام الکتاب لدی الله علی حکیم که در ندبه خطاب با امام میگردد ای پسر آن که در ام الکتاب نزد خدا علی حکیمی ، و علی در این آیه را علی بن ابیطالب فرض کرده و امام زمان را فرزند او خوانده در صورتی که این آیه چهارم سوره زخرف است که خدا فرموده والکتاب المبین انا جعلناه قرآنا عربیا لعلکم تعقلون و آنه فی ام الکتاب لدینا لعلی حکیم یعنی قسم باین کتاب بیان کننده که ما آنرا عربی قرار دادیم تا شما تعقل و تفکر کنید و بدرستی که این قرآن نزد

ما در لوح محفوظ والا و با حکمت است ، پس این آیات بطور صریح در وصف قرآن نازل شده و یعنی علیه السلام مربوط نیست و اگر بخواهیم در وصف علی قرار دهیم باید قرآن را بی تناسب و بیهوده گوئیم و کسی تا اینکه دعای ندبه را تصحیح نعلیم در دعای ندبه حملات ضد قرآن و عقل بسیار است که در حقیقت دستبرد بقرآن کرده و آیات آنرا طبق مقاصد غلو خود آورده دانشمندان بیدار دیندار باید از قرآن طرفداری کنند و نگذارند هر کسی آیات آن را برای شخصی خود تفسیر بلکه تخریب نماید و آنرا از حجت و ظهور بلکه از صراحت آن را منحرف سازد ، نباید برای حفظ یکدعا قرآن را بی اعتبار ساخت ائمه هدی علیه السلام مکرر فرموده اند که قرآن حجت الهی است و هر چه از ما برای شما نقل شد از حیر و یاد دعا اگر مخالف قرآن بود آنرا رها کنید و ما ائمه مخالف قول خدا نمیگوئیم کسی نیست بطرفداران ندبه بگوید یابن المعجزات الموجوده یعنی چه معجزات موجوده اگر قرآن است دیگر یابن الایات و البسیات چیست یابن پی والداریات چیست و و و و یک نفر آخوند خراسانی تشریه صادر کرده و میگوید مقصود از آیه ۸۵ سوره شعرا که حضرت ابراهیم عرض کرده و اجملی لسان صدق فی الآخرين ، علی بن ابیطالب است چرا برای اختیار مجمله غلام و برای حفظ دعای ندبه ما بعضین آخوندی کاری نداریم ولی از نویسندگان مکتب اسلام که دارای دانش و فضلند توقع داریم که بموض بیان حقائق تعصبات باطله و خرافات را نباید نمایند و قرآن را بیش از هر چیز مراعات کنند مکتب اسلام میبایست مقصود از علیا در قصه حضرت ابراهیم و حملت ذلک علیا که در دعای ندبه آمده علی وصفی است که بمعنی عالی و کامل باشد خیلی خوب قبول ولی با آن کسی که عده ای از عوام او را حجة الاسلام میدانند و آمده بر ضد نظریه مکتب اسلام تشریه صادر کرده چه باید کرد این آقا میگوید طبق تفاسیر ائمه و تمام علماء شیعه مقصود از علیا در اینجا علی اسمی یعنی علی بن ابیطالب علیه السلام است آبا جلوا بن حجة الاسلام و این تفاسیر را چه کس باید بگیرد آبا مروجین اسلام چرا ضد و نقیض بگذاشتند آبا مکتب اسلام این تفاسیر را تدبیر و اگر دیده تهراندیده گرفته کسانی که قرآن را از اعتبار سابقه کرده اند و راجع بآیه سوره شوری قل لا اسئلكم علیه اجرا و آیه ۴۷ سوره سبا ما سئلتکم من اجر فهو لکم بدویدی که

هر دو سوره مکی است و خطاب بمشرکین میباشد ، میگویند دو آیه مزبور
 مدنی بوده و خطاب بمومنین شده و این دو آیه مدنی بدون تناسب در
 دو سوره مکی داخل شده عجیب این است که همین حجة الاسلام زنجانى
 و حجة الاسلام دیگری در روزنامه ندای حق همین را میگویند و قرآن را
 مفشوش و بدون نظم جلوه داده اند نه از خدا میترسند و نه از حیامت
 برای حفظ دعای نذبه و متوجه نشده اند که تناسب آیات قبل و بعد هر
 سوره اساس تبلیغ منظم قرآن و آغاز آنست که هرگاه این اساس را
 در نظر بگیریم باعث بی نظمی قرآن و ایجاد تفرقه ها میشود بلی هرگاه
 آیه ای مربوط بسوره ای باشد که مدتها قبل از این نازل شده رسول
 خدا آنرا در آخر سوره گذاشته تا نظم آیات بهم نخورد بهر حال حفظ
 قرآن و اعتبار آن از صد هزار دعا و خیر واجبتر است، اینجانب چون
 مکتب اسلام را خواندم تعجب بسیار کردم زیرا از نویسندگان فاضل آن
 توقع نداشتم که یکجا بنویسد دعای نذبه منبع الهام بخشی است برای
 مبارزات اجتماعی و بر ضد ظلم ، در صورتی که دعای نذبه منبع الهام بخشی
 است برای قبول ظلم وستم و برای سکوت تا اینکه امام زمان بیاید و
 خودش اصلاح کند زیرا دعای نذبه میگوید این الممد لقطع دابر الظلمة
 این المنتظر لاقامة الامت والعوج این المرتجى لازالة الجور والمعدوان
 یعنی کجا است آنکه مهیا شده برای قطع دنیا له ستمگران کجا است
 آنکه او بیاید کجها را راست کند کجا است آن که باو امیدواریم دفع
 جور و ستم کند، معنی این جملات این است که ملت باید منتظر او باشد
 و دست از پا خطا نکند گویا ملت مکلف نیست جز برای نذبه وزاری و
 نذبه من قریبا کردن تا بهمین چیزها دل خود را خوش و حرارت خود را
 خاموش و ستمگران هم بر خرماد سوار باشند تا امام بیاید استعمار
 چقدر خورسند است که دهها هزار نفر بنذبه وزاری مشغول باشند و
 یکبار او کاری نداشته باشند ، شما اگر از هر يك از خوانندگان دعای
 نذبه بیروسی آقا در مقابل این همه كفر وجود و ستم چه باید کرد در
 جواب میگوید امام زمان باید بیاید خودش اصلاح کند آبا سراوار نبود
 مکتب اسلام مطلب باین روشنی را بیان کند و لا اقل ضد آنرا نکند و

بخوانندگان خود بگوید که فعلا دولت و ملت باید برای اصلاح بکوشند و متحد شوند نه این که تنبلی را شعار و ندبه و زاری را مدارگار خود قرار دهند. شخص نادانی از مکتب اسلام در شماره ۶ سال ۱۳ سکوئی کرده راجع به دعای ندبه و گوید امام همه جا حاضر و ناظر است و این ما هستیم که او را تشخیص نمیدهیم، آن محله جواب این جناب است که آمیز را نداده که صفت لامکانی و محزون همه بد شخص خداست و اینست که جسم و جوهر و مخلوق نیست و این شرک بخداست که امام را بصدای صفات خدائی بدانی اعظم همه جا حاضر است لابد تمام جنائتها و جرم و سنها را می بیند پس چرا ناراحت نمیشود و چرا نمی ازمگر نمیکند مگر امام بشر نیست آیا مدرک حضور امام همه جا چه میباشد کدام دلیل عقلی و شرعی این شرک را تصویب کرده سزاوار بود مکتب اسلام او را ارشاد کند نه این که اینجا سکوت کند و فقط برای تثبیت دعائی ندبه قلم فرسایی کند آیا نفی شرک بهتر است یا اثبات بکدها که طرفداران آن آنرا مستحب میدانند تعجب است که ایندها بیشتر از توحید طرفدار دارد. اگر کسی منکر خدا بشود بلاو کاری ندانند اما اگر منکر یکی از خرافات شود قریب ایشان باشند یا نه می رسد خدایتعالی در صد آیه از قرآن فرموده غیر مرا نخوانید و غیر مرا قاضی الحاجات ندانید، آیا خواندن امام و رسول مدرکی دارد آیا دعای ندبه خواندن غیر خدا نیست آیا پرهیز از شرک لازم نیست آنان که مسیح و یا بودا را میخوانند چرا مشرک می دانید با اینحال آقای رشاد زنجانی نشریه داده و تمام آیاتی که میگوید غیر خدا را نخوانید بعمل خود تفسیر برای کرده و میگوید مقصود از خواندن غیر خدا بعنوان پرستش است نه بعنوان واسطه او خیال کرده بین خالق و مخلوق دوری و بعدی و بلکه واسطه ای میباشد و یا خدا بی خبر از دعای بندگان و یا کراست و یا غیر خدا را مهربانتر از خدا میدانند ادعوی استجب لکم را تفسیر کرده «بادعو مقرب درگاهی» و تازه خود بدیگران اعتراض دارد که چرا قرآن را تفسیر برای کرده اند قواعد عرف عرب تفسیر کرده مردود میدانید ولی خودتان برخلاف قواعد مرتکب تفسیرهای برای شده اید و شرک را بجای توحید آورده اید.

ایشان تعجب میکنند که فتوای برمدرك و یا کتاب دعای غلان مقدس قدیمی اهل غلو برای تثبیت بدعتها مدرك و دلیل میشود در دعای ندبه حیات کرده بخدا میگوید وقلت ما سئلتكم من اجر فحولكم یعنی خدا یا تو گفتی اجر بکه سؤال کردم پس تو شما را بکه در صورتی که خدا از کسی سؤال اجر نکرده بلکه بر رسول خود فرموده تو چنین بگو قل ما سئلتكم من اجر فحولكم شده که این آیه قرآن کلمه قل دارد و نباید قرآن را کم و زیاد کنند و خواننده عزیز رجوع کن بسوره سبا آیه ۴۷ تا حقیقت را دریابی مختصر این که نویسنده قاضی متدین نباید طبق میل عوام چیز بنویسد و مانند سایر مخلات روز « مرضه را طبق تقاضا بیاورد مکتب اسلام در شماره ۷ هجری سال برای تصحیح سند دعای ندبه قول چند نفر آخوند قدیمی اهل غلو را که اهل رجال ایشان را به تقدس شناخته اند ذکر کرده ما تصدیق کنیم چگونه مقدسین تهروان مردودند اما مقدسین اهل غلو مقبولند البته قول هیچ کدام سند و مدرك نمیشود و قول ایشان حجت نیست ولی مکتب اسلام در اینجا چند اشتباه کرده یکی این که میگوید بزوفری سازنده دعای ندبه تقه و استاد شیخ مفید و در زمان غیبت صغری بوده و شاید این دعا را از امام گرفته، ما از عقلت این فضلا تعجب داریم اولاً بزوفری که تقه و استاد شیخ مفید است نامش حسین بن علی بن سفیانست ولی مؤلف دعای ندبه نامش محمد بن حسین و مجهول الحال است ثانیاً هیچ کدام نه پدر و نه فرزند در غیبت صغری نبوده اند ثالثاً ایشان از وکلاء ناحیه مقدسه نبوده اند تا این دعا را از امام بگیرند الحمد لله پس از اینهمه گفتگوهای طرفین ثابت و محقق شد که دعای ندبه سند و مدركی نداشته و مردی پیدا نشد که ده هزار تومان جائزه حلال را از نویسنده بررسی از دعای ندبه یعنی حضرت حجة الاسلام والمسلمین سید مجاهد آقای حاج سید علی احمد موسوی دامت فیوضاته دریافت کند بهر حال ما بیداری و توفیق همه را خواستاریم والسلام